

پیش به سوی تقویت اتحاد و سازمانیابی طبقاتی کارگران!

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران، روز نبرد کارگران علیه نظام بهره کشی انسان از انسان در حالی فرا می‌رسد که جهان کنونی در راستای منافع کارگران، مزد و حقوق بگیران و اکثریت عظیم مردم در کشورهای گوناگون وضعیت باثباتی ندارند. این اکثریت عظیم زیر چرخ‌های سنگین سرمایه، استثمار و چپاول می‌شوند. سرمایه‌داران حاکم بر جهان و دولت‌هایشان، سال‌هاست و به ویژه در چهل سال اخیر، سیاست تعرض و بازپس‌گیری دستاوردهای بیش از صد ساله‌ی مبارزات کارگران در راستای عدالت اجتماعی و رفاه عمومی را مرحله به مرحله به اجرا گذاشته‌اند.

رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در ایران، اکنون با تعیین حداقل دستمزد برای سال جدید (سال ۱۴۰۳) قصد دارد سالی سخت‌تر را بر کارگران و زحمتکشان ایران تحمیل کند، افزایش دستمزد کارگران هیچ‌گونه تناسبی با میزان تورم موجود در جامعه ندارد و سفره‌ی کارگران را هر روز کوچک و کوچک‌تر می‌کند در مقابل، نبرد کارگران برای تعیین دستمزد متناسب با سبد هزینه زندگی آنان و تورم نقطه به نقطه ادامه دارد.

در ایران و در نبرد طبقاتی موجود؛ از یکسو کاهش و کالائی سازی خدمات اجتماعی، بهداشت، آموزش، مسکن، رواج قراردادهای موقت، بی‌ثبات سازی مناسبات کار، گسترش اخراج‌ها به جای کاهش ساعات کار افزایش سن بازنشستگی و بالاخره کاهش دستمزد کارگران بدون توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، جلوه‌هایی از این سیاست‌های ضد کارگری نظام سرمایه‌داری حاکم است. از سوئی دیگر تضاد منافع بخش‌های گوناگون سرمایه‌داری و قطب‌های امپریالیستی، جهان را به صحنه رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی و جنگ‌های مستقیم یا نیابتی تبدیل کرده است. قربانیان اصلی این جنگ‌های ویرانگر، کارگران، مزد و حقوق بگیران و خانواده‌هایشان در چهار گوشه‌ی جهان هستند. اکنون نیز شعله‌های ویرانگر کشتار و نسل کشی مردم ستم‌دیده فلسطین در غزه توسط دولت نژادپرست صهیونیستی در اسرائیل و جنگ مرگبار اکراین و روسیه با کمک بازیگران جهانی در مقابل چشمان ما جاری است. برای طبقه ما دفاع از صلح و پایان دادن به تنش‌ها، از خواست واقعی کارگران در آستانه اول ماه مه با شعار نه به جنگ، تجلی یافته است.

این وضعیت نگران کننده و اسفبار با وجود اعتراضات اجتماعی گسترده به سیاست‌های دولت‌های سرمایه‌داری و به ویژه علیه جنگ و نسل کشی، هنوز نتوانسته به این روند لگام بزند. زیرا طبقه‌ی کارگر به معنای گسترده آن هنوز نتوانسته به عنوان طبقه‌ای اجتماعی متشکل و به عنوان تنها آلترناتیو طبقاتی در برابر سرمایه‌داری افسارگسیخته، در سطح کشوری و جهانی حضور سیاسی موثری داشته باشد. این امر را می‌توان در ضعف گسترده‌ی تشکل‌های طبقاتی کارگری در همه کشورها به نحوی مشاهده کرد.

اول ماه مه در حالی فرا می‌رسد که کارگران و توده‌های ستم‌دیده ایران در جنگی نابرابر برای استقلال، نان، کار، مسکن، آزادی! و حق زندگی شایسته انسانی با حاکمیت ضد انسانی دست به گریبانند. آن‌ها با شرایطی دست و پنجه نرم می‌کنند که دستمزدهای زیر خط فقر در کنار تورم افسار گسیخته، قدرت خریدشان را لحظ به لحظه کاهش می‌دهد و افزایش شتابان بیکاری بر این روند ویرانگر اضافه می‌شود و زندگی آن‌ها را زیر چرخ‌های سنگین خود له می‌کند. در متن این شرایط نفس گیر، کلیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ناتوان از پاسخگویی به ابتدایی‌ترین خواست کارگران تحت ستم ایران و در هراس از شورش دوباره‌ی گرسنگان، با توسل به زندان و شکنجه و کشتار، با گسیل مجدد گشت ارشاد تحت عناوین مختلف، با جرمه‌ی نقدی و محدودیت‌های اجتماعی برای کسانی که زیر بار پوشش اجباری نرفته‌اند، قصد دارد فضای رعب و وحشت را هر چه بیشتر در جامعه بگستراند و بر بقای عمر ننگین خود بیفزاید. در بستر چنین شرایطی، طبقه‌ی حاکمه، سرکوب تشکل‌های کارگری را با شدت تمام به پیش می‌برد. فعالان کارگری و کنشگران اجتماعی به دلایل واهی در زندان‌ها تحت فشار و شکنجه بسر می‌برند. فرزندان مردم ستم دیده به خاطر شرکت در اعتراضات توده‌ای که ارکان طبقه حاکمه را بلرزه انداخته است دستگیر، زندانی، شکنجه و کشته می‌شوند. کل طبقه حاکمه دست در دست هم به منظور استثمار و چپاول هر چه بیشتر، ستم و تبعیض را در مورد زنان و اقلیت‌های ملی و مذهبی و نیز کارگران مهاجر افغانستانی روز به روز شدیدتر می‌کنند. تجارب مبارزه‌ی دو دهه‌ی گذشته در ایران نشان داده است که انواع خیزش‌های اجتماعی برای تغییرات بنیادی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیازمند نیروی اجتماعی سازمانیافته طبقاتی است تا بتواند

توحش سرکوبگرانه سرمایه‌داری را براندازد و اراده سیاسی و حق تعیین سرنوشت خود را اعمال نماید. خیزش‌های اجتماعی پی در پی از جمله خیزش انقلابی، دی ماه ۹۶، آبان ماه ۹۸، و شهریور ماه ۱۴۰۱، با رمز: ژینا و جهانی شدن نام آن: زن، زندگی، آزادی! تدام مبارزه را اثبات می‌کند.

در حالی به اول ماه مه امسال نزدیک می‌شویم، که کل طبقه سرمایه‌داری در ایران با واکنش اعتراضی گسترده روبرو شده است. مبارزه‌ی بخش‌های گوناگون کارگران بویژه کارگران نفت و پتروشیمی و فولاد در خیابان‌ها و مراکز کار ادامه دارد؛ بازنشستگان بخش‌های گوناگون جنبش کارگری چهار روز هفته در دل جنبش بزرگ دادخواهی در شهرهای گوناگون دست به اعتراض می‌زنند. پرستاران به عنوان قهرمانان نجات جان مردم، در کنار کادر درمانی، مبارزه‌ی حق طلبانه خود را روز به روز متحدتر پیش می‌برند. معلمان علیرغم دستگیری، اخراج، تعلیق و پرونده سازی‌ها علیه فعالان فرهنگی، و خواست آزادی و بازگشت آنان در مدارس به عنوان متشکل‌ترین بخش طبقه‌ی کارگر همچنان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. زندانیان سیاسی در زندان‌های قرون وسطایی سرمایه‌داری در ایران به اشکال مختلف جسورانه به اعتراض و مبارزه دست می‌زنند. این مبارزات درخشان، جلوه‌هایی از نبرد طبقاتی کارگران علیه ستم و استبداد طبقه‌ی سرمایه‌دار حاکم و دولت دینی حافظ منافع آنان است. آن‌ها برای دستمزدهای عادلانه و برخورداری از معیشت کامل و مکفی، برای آموزش و درمان رایگان و برای تامین اجتماعی بویژه برای بازنشستگان و بیکاران، برای رعایت استانداردهای حفاظت و ایمنی در محیط‌های کار و آموزشی می‌جنگند. در کنار مبارزات درخشان نیروی کار و زحمت، فرزندان آن‌ها یعنی دانشجویان و دانش آموزان به مقاومت خود در برابر استبداد و سرکوب ادامه می‌دهند و به عنوان نیروی پشتیبانی مبارزات اجتماعی وارد عمل می‌شوند. زنان توانمندتر از همیشه با همراهی مردان در عرصه‌های مبارزه‌ی طبقاتی نقش درخشان دارند و پرچم مبارزات آزادیخواهانه را بردوش می‌کشند و مبارزه علیه حجاب اجباری را برای تحقق حق آزادی پوشش، به مبارزه‌ای رهای بخش برای مبارزه علیه انواع تبعیضات علیه زنان، تمامی این سال‌ها نادیده گرفته شدن حقوق کودکان کار و خیابانی، شعار لغو خصوصی سازی، پرداخت به موقع دستمزد کارگران، برچیده شدن بسیج و هر نوع پایگاه‌های بسیج و سرکوب در محیط‌های کار، برای مبارزه با جداسازی‌ها و تبعیض جنسیتی و برای برابر حقوقی زنان با مردان تبدیل کرده‌اند. در تمامی این مبارزات آزادی زندانیان سیاسی، لغو شکنجه و مجازات مرگ، حق تشکل و آزادی بیان فریاد زده می‌شود.

در آستانه اول ماه مه، ما که خود را عضوی از طبقه‌ی کارگر جهانی می‌دانیم و بخشی از فعالیت خود را به تقویت مبارزه‌ی طبقه کارگر در ایران اختصاص داده‌ایم، دور هم گرد آمده‌ایم و در کشورهای کانادا، استرالیا، سوئد، انگلستان، آمریکا، اتریش، سوئیس، فرانسه، دانمارک، ایتالیا، هلند و آلمان صف واحدی را تشکیل داده‌ایم تا صدای اعتراض کارگران ایران در جهان را رساتر کرده و با جلب همبستگی طبقاتی بین‌المللی در اول ماه مه، اتحاد و سازمانیابی طبقاتی کارگران در ایران را تقویت کنیم!

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران،

نابود باد نظام بهره کشی انسان از انسان!

کمیته سراسری برگزاری اول ماه مه - خارج از کشور

آوریل ۲۰۲۴